

فصل نهم

دیو، مرد و دیوارها

این فصل از «صحیفه نور»، چون آمیزش سپیده و برف، چون پیوند شکوفه و بلور است. موسای امت، بر طور سینای ولایت امر، فراز آمده، و دیو، مرده و فرشته باز آمده، اما باغ از زاغک‌های خزانی خالی نیست. چنین است که امام بزرگوار امت، در دیدارهای بسیا پی، رهنمود بیداری می‌دهند:

- اصل حرکت روحانیت و سایر اقشار ملت، جایگزین کردن اسلام، به جای طاغوت است...
- وارسته کردن نفس از تعلقات دنیا، سرمنشاء کمالات است.
- در مملکت اسلامی، غیر قانون خدا، هیچ چیز حکومتی ندارد.
- مقدمترین جهاد ما، سازندگی انسان و جهاد اکبر است.
- روز قدس، روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است.
- به حکم قرآن و اسلام، همه مسلمین با هم برادرند.
- صفحه قلبمان که همه چیز در آن نقش می‌شود، همان صورت نامه اعمال است.

— دانشگاه مرکز تعیین سعادت و شقاوت ملت است...

— روحانیون، پاسداران اسلام هستند.

— تزکیه نفس از علم و حکمت، بالاتر است...

تقریباً هر روز، عطش‌زدگان کویر هجر: زنان، مردان، کودکان، از دورترین سرزمین‌های اشتیاق، پیاده، سواره، کفن‌پوش، هروله‌کنان، می‌آیند... می‌آیند تا نخست نور بنوشند و تشنگی استخوانسوز سالیان هجر را فرو بنشانند... و غبار ظلمت‌ها و تیرگی‌ها را از دل بتکانند. می‌آیند تا سیرت نبوی و جمال الهی را در صورت روح‌اللهی، نظاره کنند...

و سپس کلام او را بنوشند... و از پولاد کلمات او، لباس رزم بپوشند و بخروشند...

ساعتی در پیشگاه او می‌نشینند تا عمری در برابر دشمن بایستند... و آن سترگ، آن نستوه، آن دلیر، پیامبرگونه با همه دیدار می‌کند و به همه رهنمود بیداری می‌دهد.